

آزادی بیان و حد و مرزهای آن در قوانین ملی افغانستان

نویسنده: محمد عارف فصیحی دولتشاهی

چکیده

آزادیهای فردی و اجتماعی از مسایلی هستند که در اغلب قوانین ملی کشورها، خصوصاً کشورهای دموکراتیک مورد حمایت و دفاع جدی قرار گرفته اند. در قانون اساسی افغانستان نیز بدان دلیل که دولت نتواند آزادیهای مدنی افراد را با قوانین عادی و همچنین تصمیمات سیاسی تحت تأثیر قرار دهد، از آزادی فردی و اجتماعی اتباعش دفاع و جانب داری همه جانبه به عمل آورده است. آزادی عقیده و بیان نیز از زمره حقوق و آزادیهای است که در قانون ملی، از جمله قانون اساسی، تضمین شده و از جایگاه ارزشمندی برخوردار شده است. در این نوشتار تلاش به عمل آمده است ضمن تشریح آزادی اندیشه و بیان از منظر قانون اساسی و دیگر قوانین داخلی محدودیتهای آن نیز مورد بررسی قرار گیرد. استدلال بر آن است که حق آزادی بیان حق مطلق نیست؛ بلکه عقل، دین و الزامات زنده گی سیاسی و اجتماعی

ایجاب میکند که این حق دارای چارچوب و ضوابطی مشخص باشد. احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت عمومی و اخلاقی جامعه و دامن نزدن به تنفر و کینه ملی، نژادی، مذهبی و ... محدودیتهایی است، که در قانون برای آزادی بیان مشخص شده است. ثقل مرکزی نوشتار حاضر دو نکته اساسی میباشد: ۱- اصل بر آزاد بودن بیان است و ایجاد محدودیت، حالت استثنا دارد؛ ۲- محدودیت باید از طریق قانون صورت گیرد و هر کس به بهانه هایی همچون حفظ امنیت یا اخلاق عمومی جامعه خود را مرجعی ذی صلاح برای اعمال محدودیت نداند.

واژه گان کلیدی: حق، قانون، آزادی، آزادی بیان

مقدمه

یکی از اساسی ترین آزادیهایی که در قانون ملی افغانستان به رسمیت شناخته شده، حق آزادی اندیشه و بیان است که در قالب آزادی گفتار، نوشتار، دریافت و باز پرداخت آزادانه هر گونه اطلاعات به منصفه ظهور میرسد.

حقوق داخلی کشور ما به تمامی اتباعش این حق را داده است که به طور آزادانه اندیشه ها، اعتقادات، احساسات و عواطف خود را بدون ترس و واهمه به صورت طبیعی و مرسوم بیان کنند.

تأکیدات حقوق داخلی افغانستان، از جمله قانون اساسی بر رعایت اصل آزادی عقیده و بیان در کشور به گونه یی است که بدان جایگاه ویژه حقوقی، اخلاقی و سیاسی داده است. به رغم آن که آزادی اندیشه و بیان در قانون اساسی افغانستان رسمیت پیدا نموده و از آن به عنوان جلوه ناب انسانی و از بایسته ها و ضرورت های زنده گی اجتماعی و مدنی یاد شده است؛ لکن این نکته نیز مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. آزادی بیان و اندیشه مطلق نیست؛ بلکه دارای حدود و مقیداتی میباشد. بنابراین، باید برای آن حد و مرز مشخص کرد.

در نظر گرفتن حد و مرز آزادی بیان یکی از مجادله آمیزترین و بحث برانگیزترین مسأله ها در تمام جوامع، از جمله افغانستان، محسوب میشود و خصوصاً بعد از سقوط حکومت

طالبان و به وجود آمدن فضای باز سیاسی - مدنی به یکی از مباحث و مناظرات جدی محافل و حلقه های فکری تبدیل شده است. از آن جا که قوانین داخلی، و به خصوص قانون اساسی کشور، فصل الخطاب تمامی مناقشات از جمله مناظرات که حول محور آزادی بیان سامان یافته است، محسوب میگردد، شایسته و ضروری مینماید، که این مهم از این منظر مورد توجه و بحث قرار گیرد؛ بدین ترتیب، این سوال اساسی به وجود می آید که حد و مرزهای آزادی بیان با توجه به قانون داخلی افغانستان تا کجاست؟ آیا اساساً آزادی بیان نیازمند محدوده و ضوابط مشخصی است؟ انتقال فکر و عقیده به دیگران تا چه حد میتواند آزاد باشد؟ حتی تا آن جا که باعث آشوب، فتنه و توهین به مقدسات ملی و دینی گردد؟

در این مقاله تلاش بر آن است که به سوال اساسی فوق پاسخ درخور داده شود. به منظور تنقیح و بررسی همه جانبه موضوع بحث را در محورهای زیر پی میگیریم:

۱. مفهوم شناسی (حق، بیان و آزادی بیان)؛

۲. ضرورت و تأکیدات آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان؛

۳. حد و مرزهای آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان؛

مفهوم شناسی

الف) مفهوم حق

واژه حق، مفرد کلمه حقوق است. حقوق معانی و کاربردهای گوناگونی دارد و میتوان به «مجموعه قواعدی که بر انسان از آن جهت که در اجتماع است و حکومت میکند» اشاره کرد (۹)؛ منظور از حق در این نوشتار «امتيازهایی است که حقوق به منظور تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع برای هرکس در برابر دیگران میثناسد و توان خاصی به او میبخشد» (۹).

حقوق شامل مواردی همچون حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و حق آزادی عقیده و بیان میگردد.

حق دارای دو مفهوم است: مفهوم سنتی و مفهوم مدرن. حق در معنای سنتی آن درست بودن و یا اخلاقی بودن است و نکته مقابل آن باطل و نادرست بودن. حق به مفهوم مدرن مساوی است باحق داشتن. حق داشتن به این مفهوم است که فرد حق انتخاب گزینه مورد نظر خود را دارد اگرچه رفتار انتخابی فرد از نظر دیگری باطل باشد. براساس این تعریف بیان درست در راستای اعمال حق آزادی بیان یک مفهوم ارزشی از حق آزادی بیان است نه یک مفهوم هنجاری. این که گفته میشود شما حق انتقاد سازنده دارید معنای هنجاری اش؛ یعنی، حق انتقاد ندارید. ماهیت انتقاد سازنده نفی حق انتقاد است به مفهوم هنجاری.

ب) مفهوم بیان

کلمه بیان به معنای سخن آشکار و فصیح، شرح و تعبیر و... است. (۵) بیان در این نوشتار معنای عام دارد. بدین معنا که هر روش و طریقه‌ی که بیان کننده محتویات ذهنی فرد باشد مصداق بیان است. با این وصف بیان شامل هنر فرهنگ و کل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی میگردد. شعر، یک تابلوی نقاشی، فیلم سینمایی، خطابه، تجمع حزبی، و سیاسی و... از مصادیق بیان است. اینکه بیان قالبهای مختلف را در بر میگیرد چیزی است که در قانون مطبوعات افغانستان توجه قانون گزار را به خود معطوف ساخته است. در بند چهارم ماده دوم دولت مکلف شده است تا برای اتباع کشور زمینه مناسب فکر و احساس را فراهم نماید و اتباع افغانستان میتوانند که فکر و احساس خویش را از طریق انعکاس حقایق به صورت عادلانه از مجرای گفتار، نوشتار، رسم، تصویر، ثبت روی نوار، تمثیل و سایر پدیده‌های علمی، ادبی، هنری و طبع اظهار نمایند و در این زمینه هیچ پابندی وجود ندارد الا این که در قانون رسانه‌ها ممنوع محسوب شده باشد.

مفهوم آزادی بیان

تعاریف متعددی از آزادی بیان ارائه گردیده است، در یک تعریف آزادی بیان عبارتست از: آزادی افراد در بیان عقیده و ایراد نطق و خطابه بدون ترس از دخالت دولت. (۱)

برخی گفته اند: آزادی بیان به این معناست که افراد گذشته از این که به خاطر دانستن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی نباید تحت پیگرد قرار گیرند؛ بلکه باید بتوانند در عمل عقیده خود را ابراز نمایند و برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر در باره آن تبلیغ کنند. (۳)

عده یی باور دارند که آزادی بیان حق طبیعی است که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن، به طور یکسانی از آن باید برخوردار باشد و به موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود، تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجازند. در این تعریف چندین نکته اساسی وجود دارد:

نخست، آزادی بیان یک حق طبیعی برای تمام افراد است.

دوم، تمام افراد، به دور از همه گرایشات سیاسی، قومی و مذهبی به گونه یکسان از آن برخوردارند و میتوانند اندیشه و فکر خود را آزادانه ابراز کنند.

سوم، براساس این تعریف چنانکه در محورهای بعدی شرح خواهیم داد و در این تعریف نیز صراحت دارد محدودیتهای آزادی بیان است. آزادی بیان محدود به دو چیز است:

۱- موجب نقض حقوق دیگران نشود.

۲- موجب نقض اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود.

مبنای این تلقی از آزادی بیان آن است که تعارض افکار از نظر علمی و سیاسی موجب رشد علم و افکار مردم است و میتواند منافع زیادی برای جامعه در بر داشته باشد؛ چنان که سلب این آزادی موجب رکود افکار و علوم بشری است؛ در نتیجه سبب اختلال حرکت تکاملی جامعه و افراد میگردد.

در حقیقت آزادی بیان دارای سه رکن: آزادی عقیده، آزادی اطلاعات و آزادی نشر اندیشه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

ضرورت آزادی بیان

در مورد ضرورت، چرایی و دلایل آزادی بیان سخن فراوان گفته اند. هر نحله فکری

براساس مبانی فلسفی اش از این اصل به دفاع برخاسته اند. به نظر میرسد بهترین دفاع از آزادی بیان را جان استوارت میل کرده است. او در این زمینه مینگارد:

وقتی عقیده و بیانی را ساکت و سرکوب مینماییم؛ در واقع، انسانیت را از آن محروم مینماییم و آن عقیده را از نسل فعلی و نسل آینده میدزدیم. اگر آن عقیده درست باشد امکان اصلاح حقیقت را از میان برده ایم و اگر اشتباه باشد امکان عرض اندام حقیقت در تقابل با آن را نابود کرده ایم. (۱۰).

گذشته از استدلال محکم جان استوارت میل در باب آزادی میتوان گفت که آزادی بیان در کنار سایر عوامل باعث رشد و پویایی فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه میگردد و توسعه سیاسی نیز بیش از هر چیز دیگری به آزادی بیان با در نظر گرفتن ارزشها و هنجارهای اصیل و واقعی آن جامعه بسته گی دارد. بنابراین، ارج نهادن به آزادی بیان چیزی جز ارج نهادن به مردم، افکار و عقاید آنها نیست.

آزادی بیان و اطلاعات برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انسان ضروری است؛ از این رو، قانون مطبوعات افغانستان حق آزادی فکر و بیان را به صورت روشن مورد حمایت قرار میدهد؛ یعنی، هر تبعه افغانستان حق دارد فکر کند و فکر خود را بیان نماید و به دیگران منتقل سازد. (ماده ۲، بند ۱).

آزادی بیان از اصول بنیادین و اساسی و یک حق غیر قابل سلب و اساس بسیاری از آزادیهای دیگر است. امروز وجود آزادی در کشورها و نظامهای سیاسی مختلف با معیار آزادی بیان سنجیده میشود و از طرف دیگر سمبول آزادی بیان، آزادی رسانه هاست و این به خاطر نقش عمده یی است که رسانه ها بردوش دارند. (۴). نقش رسانه ها را میتوان چنین خلاصه کرد:

۱. افزایش معلومات عمومی مردم؛

۲. ایجاد برخورد اندیشه ها و ارتقای فکری جامعه؛

۳. آگاهی عمومی نسبت به مسایل و معضلات و بسیج جامعه علیه ظلم و فساد؛

۴. طرح و بررسی وضع جامعه و یافتن بهترین راه حل زنده گی اجتماعی؛
۵. اطلاع هیئت حاکمه از خواسته ها و تمایلات طبقات مختلف مردم؛
۶. طرد و نفی خودمحموری و خودکامه گی و حاکمیت افکار سالم عمومی براعمال حکومتی. (۱۱)

آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان

براساس قانون اساسی افغانستان هر کس حق آزادی عقیده و بیان را دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات سمتی و قومی آزاد باشد در ماده ۳۴ قانون اساسی چنین آمده است:

آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشتار، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی پردازد.

قانون رسانه های همه گانی افغانستان (۱۳۸۴) در ماده اول خود تصریح میدارد: «این قانون به تاسی از حکم ماده سی و چهارم قانون اساسی و رعایت ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، به منظور تأمین حق آزادی فکر و بیان و تنظیم فعالیت رسانه های همه گانی در کشور وضع گردیده است»

در ماده دوم قانون رسانه ها به امور زیر تأکید شده است:

حمایت از حقوق ژورنالستان، تأمین شرایط فعالیت آزاد رسانه ها، ترویج و انکشاف رسانه های همه گانی آزاد، مستقل و کثرت گرا، فراهم نمودن زمینه مناسب برای اظهار فکر و احساسات اتباع کشور توسط گفتار، نوشتار، رسم، تصویر، تمثيل، حرکت و سایر پدیده های علمی، ادبی، هنری، و طبع و نشر - رعایت اصل آزادی بیان و رسانه های همه گانی مسجل در اعلامیه جهانی حقوق بشر با در نظر داشت دین مقدس اسلام.

به جز این ماده، مواد دیگری نیز وجود دارد که حق آزادی بیان از آنها استنباط میشود؛ این مواد عبارتند از:

۱. در ماده ۱۶ در رابطه به آزادی بیان مطبوعات آمده است: «نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمامی زبانهای رایج در کشور آزاد میباشد»؛
- در جای دیگری، نامه ها و مکالمات محرمانه را از هر گونه تعرض در امان میداند. در ماده ۳۷ قانون اساسی میخوانیم:
- «آزادی و حریمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است».

حد و مرزهای آزادی بیان در قوانین ملی افغانستان

در محور پیشین آزادی بیان در قوانین داخلی افغانستان بررسی گردید؛ ولی باید پذیرفت که آزادی بیان در قوانین مذکور از اطلاق افتاده و مقید به حدود قانونی شده است. این محدودیتها آزادی بیان را با تمام اهمیت و ضرورتی که دارد محدود و مقید میکند. نکته اساسی این است که این محدودیتها در واکنش به ارزشهای والاتر و مهمتر که در امنیت و منافع عمومی و اخلاقیات جامعه ریشه دارد وضع گردیده است؛ به عبارت دیگر قوانین موجود اجازه بیان عقاید را به همه گان میدهد؛ ولی تا وقتی که این کار در چارچوب روشها و ارزشهای قانونی صورت گیرد.

مشخص کردن حد و مرز برای آزادی بیان در قوانین ملی بدین منظور است که این مهم را به نفع عام تبدیل کند. اگر آزادی بیان نتواند این منظور را برآورده سازد و یا منجر به فتنه و افتهای بزرگ اجتماعی گردد به هیچ وجه پذیرفتنی نخواهد بود. مولوی در این زمینه زیبا بیان کرده است:

این زبان چون سنگ و فم آهن و ش است
 و آنچه بجهد از زبان چون آتش است
 سنگ و آهن را مزن برهم گزاف
 گه زروی نقل و گه از روی لاف
 زان که تاریک است و هر سو پنبه زار
 در میان پنبه چون باشد شرار
 ظالم آن قومی که چشمان دوختند
 وز سخنها عالمی را سوختند
 عالمی را یک سخن ویران کند

روبهان مرده را شیران کند. (۲)

مولوی در ابیات مذکور بیان را به سنگ و آهن و آتش زنه و آتش گیره تشبیه میکند که کسی آن را در محل تاریک و پنبه زار برافروخته باشد پیداست، که شعله و لهیب آتش چون در پنبه زار افتد؛ چه نتایج شوم به بار میآورد.

ماده پنجم قانون رسانه های افغانستان در مورد مطالبه معلومات چنین حکم میکند: «هر شخص حق دارد، معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنا بر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه میشود، فراهم مینماید، مگر اینکه معلومات مطالبه شده راز و محرم بوده، افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید».

به هر حال قوانین ملی افغانستان آزادی بیان را به رسمیت شناخته؛ اما برای آن حدود و مقرراتی در نظر گرفته است که هر کس میتواند در آن چارچوب به بیان واقعیت و حقیقت بپردازد. مهمترین آنها عبارتند از:

۱. حالت اضطرار

یکی از محدودیتهای آزادی بیان حالت اضطرار و ضرورت است. حالت اضطرار

پیش آمدن وضعیتی است که کشور در معرض خطر قرار گرفته باشد و از این بابت خود را در فشار و تنگنای شدید بیابد. چنین وضعیت از زمره عواملی موجه برای اعمال محدودیت برای آزادی بیان محسوب میشود. در قسمتی از ماده ۱۴۳ قانون اساسی افغانستان در مورد حالت اضطرار چنین آمده است:

«هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی، و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، نا ممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان میشود». بنابراین، در وضعیت جنگ، آفات طبیعی، ملاحظات امنیتی و در کل حالات اضطراری که براساس شرایط و اوضاع و احوال در کشور پیش می آید باعث میگردد که آزادی بیان محدود گردد.

حقوق دیگران و امنیت عمومی

آزادی بیان، حقوق دیگران و امنیت عمومی سه نکته با ارزشی است؛ یعنی، اگر ما براساس قانون از حق آزادی بیان برخوردار هستیم این تکلیف را نیز داریم که حقوق دیگران و امنیت جامعه را رعایت کنیم و اگر نه براساس قانون دولت مکلف است که در چنین موردی آزادی ما را محدود کند. بنابراین، نمیتوان به بهانه استفاده از حق آزادی بیان به حقوق دیگران تجاوز و یا امنیت عمومی را خدشه دار کرد. در قسمتی از ماده ۵۰ قانون اساسی افغانستان آمده است:

«اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات را در حدود احکام قانون دارا میباشند این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.»
ماده چهارم قانون رسانه های همه گانی به علاوه آزادی فکر، بیان و حمایت های قانونی از آن در مورد طلب و دریافت معلومات نیز اشاره دارد:

«هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله و محدودیت از طرف مسئولین

دولتی، شامل این حق است. این حق در برگیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز میباشد.»

۲. امنیت، منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی

قوانین ملی افغانستان آزادی بیان را در چهارچوب منافع ملی و تمامیت ارضی به رسمیت شناخته است؛ به عبارت دیگر هرچند قانون افغانستان ارزش آزادی بیان را در خود جای داده است؛ اما به خطر افتادن امنیت و منافع عمومی باعث بروز استثناهایی در آزادی بیان شده است. ماده پنجم این قانون در مورد مطالبه معلومات چنین حکم میکند:

«هرشخص حق دارد، معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنابر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه میشود، فراهم مینماید، مگر این که معلومات مطالبه شده راز محرم بوده، افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید.»

در ماده ۲۴ قانون اساسی آزادی حق طبیعی انسان است و هیچ محدودیتی برای آن به جز آزادی دیگران و مصالح عمومی نمیشناسد و قانون را موظف به بیان مصالح عامه میکند: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم میگردد حدودی ندارد.

قانون جزای افغانستان و محدودیتهای آزادی بیان

علاوه بر قانون اساسی و رسانه های همه گانی، بزرگترین منبع تثبیت مسؤولیتهای جزایی، قانون جزای افغانستان میباشد که حاوی ۵۲۳ ماده است.

این قانون به بخشهای مختلف جرایم مطبوعاتی پرداخته است که میتوان از آن به برخی از محدودیتهای آزادی بیان دست یافت. در قانون جزای افغانستان، مواردی که به عنوان جرم از سوی رسانه ها تلقی میگردد، چنین مشخص شده است:

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که مغایر منافع عمومی باشد.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که امنیت کشور را برهم زند، اسرار نظامی و دیپلماسی

رسمی دولت را فاش کند.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که منافی اصول دین اسلام باشد و به ارزشهای اسلامی و یا شخصیت‌های مذهبی توهین کند.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که مردم را به ارتداد دعوت کند.

-انتشار جریان مذاکرات غیر رسمی پارلمان، قضا و دیگر مراجع تقنینی.

-انتشار اخبار و اطلاعات مغرضانه، نادرست و کاذب.

-انتشار اخبار و اطلاعات درست ولی مضر.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که وحدت و همبسته گی ملی را برهم بزند و باعث تبعیض

نژادی، قومی، مذهبی یا زبانی گردد و مردم را به تبعیض و تفرقه دعوت کند.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که خشونت را در هر عرصه دامن بزند.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که تبلیغ برای تأیید جرم و جنایت و عدم اطاعت از قانون

باشد.

-انتشار اخبار و اطلاعاتی که مردم را به فحشا تشویق کند.

-توهین به بیرق ملی، سرود ملی کشور و ملت افغان توسط وسایل علنی.

-توهین، افترا و هتک حرمت به رئیس جمهور، لویه جرگه، پارلمان، حکومت، اردو،

محاکم و مقامات دولتی توسط وسایل علنی، توهین، افترا و هتک حرمت به اشخاص موظف

خدمات عامه در حین اجرای وظیفه توسط وسایل علنی، توهین، افترا و هتک حرمت به

شهروندان کشور توسط وسایل علنی.

اسرار نظامی و جرایم ضد امنیت ملی: ماده ۱۸۴ قانون جزا در مورد نشر اطلاعات

مربوط به اسرار دفاعی به ویژه در حالت جنگ چنین حکم میکند:

«شخصی که در زمان جنگ عمداً اخبار، اعلامیه ها، اظهارات دروغ یا مغرضانه را

نشر نماید یا عمداً به پروپاگند تحریک آمیز یا تبلیغ شفاهی یا تحریری به هر وسیله یی که باشد

دست زند به نحوی که به قدرت دفاعی کشور یا عملیات نظامی قوای مسلح ضرر رساند و یا اینکه بین مردم هرج و مرج تولید نماید یا معنویات مردم را ضعیف سازد، به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم میگردد.»

ماده ۱۹۱ قانون جزای افغانستان این محدودیتها را در مورد ارائه معلومات و اخبار وضع کرده است:

«هرگاه شخصی به دولت خارجی یا اشخاصی که به نفع آن دولت کار میکنند اخبار، معلومات، اشیاء، مکاتیب، اسناد، نقشه ها، رسمها و سایر اشیای مربوط به دوایر حکومتی، تصدیهای دولت یا مؤسسات عام المنفعه، که به مصالح سیاسی یا دفاعی کشور مربوط باشد و نشر و توزیع آن به اشخاص خارجی مطابق به احکام قانون یا مقررات ممنوع شناخته شده باشد تسلیم نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.»

پروپاگند: در ماده ۱۹۷ آمده است:

هر افغان که عمداً در خارج بیانات، پروپاگند غلط و مغرضانه را در مورد اوضاع داخلی کشور نشر نماید که موجب تضعیف اعتبار مالی، حیثیت یا اعتبار دولت گردد.»

وحشت و دهشت افگنی: در ماده ۲۴۰ آمده است:

شخصی که عمداً اخبار، معلومات، بیانات کاذب، تبلیغات مغرضانه یا "پروپاگندهای تحریک آمیز را به هر وسیله از وسایلی که باشد نشر و پخش نماید که غرض آن اخلاص امنیت، ایجاد وحشت و دهشت بین مردم یا رساندن ضرر به مصلحت و منفعت عامه باشد حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم میگردد.»

دعوت به فساد اخلاقی و نشر مطالب مغایر آداب عامه: ماده ۲۳۶ قانون جزا برای شخصی که به انتشارات ضد آداب عامه و منافی فرهنگی را راه میاندازد، او را مجرم تلقی

نموده است.

توهین به اشخاص رسمی و ارزشهای ملی: در قانون جزای افغانستان در ماده‌های ۲۴۱، ۲۴۲ و ۲۴۸ به این مسأله انگشت گذاشته شده و برای هر کدام این جرایم جزاهای مختلف در نظر گرفته شده است. در ماده ۲۴۱ میخوانیم:

«شخصی که توسط یکی از وسایل علنی ملت افغان، بیرق، یا نشان دولت افغانستان را توهین نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.»

ایجاد تفرقه، تشویش افکار عمومی و به زیر پا گذاشتن قانون: ایجاد تفرقه و تشویش مردم به اجرای اعمال غیر قانونی و زیر پا گذاشتن قانون توسط وسایل علنی جرم شمرده میشود. در ماده ۲۳۹ آمده است:

«شخصی که به یکی از وسایل علنی مردم را به فتنه گری و آشوبگری، عصیان یا تمرد دعوت نماید به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد مشروط بر اینکه دعوت وی مؤثر واقع نگردد.»

نشر مطالب ممنوع: نشر بعضی مطالب توسط وسایل علنی مجاز نیست و یا هم هرگاه سوء نیت، در نشر شان به کار برود، مشمول موارد جزایی میگردد. در ماده‌های ۲۴۷، ۲۵۲ و ۲۵۳ این موارد مشخص شده اند.

نتیجه

آنچه در این نوشتار با توجه به قوانین داخلی افغانستان مورد استدلال قرار گرفت این نتیجه به دست می آید که آزادی بیان حق طبیعی همه اتباع ساکن در افغانستان فارغ از قوم، نژاد، وابسته گیهای حزبی و سمتی است و همه از این حق به طور یکسان برخوردار میباشند. به موجب قانون همه افراد در بیان اندیشه و عقاید خود تا جایی که باعث نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود مجازند.

مبنای آزادی عقیده و بیان در قانون اساسی و دیگر قوانین ملی آن است که تعاطی

افکار از نظر علمی - سیاسی موجب رشد فکری و عملی در جامعه و سلب آن به طور یقین باعث رکود و اختلال حرکت تکاملی جامعه می‌گردد؛ اما از آن جا که آزادی بیان به دلیل فواید و ارزشی که دارد باید آزاد باشد در محدودیت آن نیز باید ارزشهای ملی و فواید عام جامعه ملحوظ انگاشته شود؛ بدین ترتیب آزادی عقیده و بیان به رغم اهمیتی که در قانون اساسی، قانون رسانه ها و قانون جزا دارد، از اطلاق افتاده و مقید به حدود و ثغور قانونی شده است. بدین معنی که هر یک از اتباع افغانستان میتواند آزادانه هر چه میخواهد بگوید، بنویسد و به چاپ برساند؛ مگر مواردی که قانون تعیین کرده باشد که در این صورت این آزادی مستلزم مسؤولیت و محدودیت خواهد بود. امنیت اخلاقی - سیاسی جامعه، منافع ملی، ارزشهای نهادینه شده در جامعه از جمله استثنای آزادی بیان محسوب میشوند.

منابع

۱. آقابخشی، علی. (۱۳۷۴). **فرهنگ علوم سیاسی**. تهران. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ص ۸۵.
۲. بلخی مولانا جلال الدین، محمد ابن محمد. (۱۳۷۵). **مثنوی معنوی** دفتر اول بیت ۱۵۴۷. تهران.
۳. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱). **درآمدی بر حقوق اسلامی**. تهران. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (سمت)، ص ۲۷۰.
۴. دانش، سرور. (۱۳۸۹). **حقوق اساسی افغانستان**. کابل. انتشارات مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا، ص ۳۵۴.
۵. عمید، حسن. (۱۳۷۵). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران. دو جلدی، ذیل واژه بیان.
۶. **قانون اساسی افغانستان**. (۱۳۸۲). کابل. وزارت عدلیه.
۷. **قانون رسانه های همه گانی**. (۱۳۸۴). کابل. وزارت عدلیه.

۸. قانون جزای افغانستان. (۱۳۵۵). کابل. وزارت عدلیه.

۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). مقدمه علم حقوق. تهران. شرکت سهامی، ص ۱۳-

۱۴.

۱۰. میل، جان استوارت. (۱۳۵۸). رساله در باره آزادی. ترجمه جوادشیر

الاسلامی. تهران، ص ۵۹.

۱۱. هاشمی، سید محمد. (۱۳۷۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران.

تهران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۴۵.